

## نگاهی به یافته‌های شیشه‌ای دوره الیمایی در مناطق کوهستانی خوزستان

مسلم جعفری زاده<sup>I</sup>، اسماعیل هم‌تای از ندریانی<sup>II</sup>، مجید سروش<sup>III</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NBSH.2020.20673.2057

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۶۲-۱۳۵

### چکیده

I. دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
moslem.archaeology@gmail.com  
II. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.  
III. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، رئیس اداره موزه‌ها و اموال اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خوزستان، اهواز، ایران.

دشت خوزستان در جنوب غربی ایران از دو منطقه جغرافیایی کوهستانی و دشت تشکیل شده است. در دوره اشکانی، شاهد قدرت‌گیری و حضور اقوام الیمایی هم در مناطق کوهستانی و دشت‌های خوزستان هستیم. یکی از صنایعی که از دوره اشکانیان رونق گرفت، شیشه بود. شیشه‌های اشکانی در محوطه‌های دشت و سطح خوزستان بسیار یافت می‌شود، درحالی‌که در نواحی کوهستانی به صورت محدود فقط در چند محوطه نمونه‌هایی یافت شد. هدف اصلی این پژوهش بررسی، معرفی و تحلیل نمونه‌هایی از اشیاء و ظروف شیشه‌ای دوره اشکانی (الیمایی) است که از کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه باستانی مناطق کوهستانی خوزستان، یعنی «برده‌نشاند» و «کل چن‌دار» به دست آمده‌اند. پرسش‌های پژوهش عبارتند از این‌که، با استناد به یافته‌های شیشه‌ای مذکور، کارگاه‌های شیشه‌گری در این منطقه وجود داشته یا این‌که اشیاء شیشه‌ای وارداتی هستند؟ روش ساخت اشیاء شیشه‌ای مذکور چیست؟ گونه‌های رایج ظروف مورد مطالعه در این نوشتار کدامند و چه نوع کاربری داشته‌اند؟ پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (شامل استفاده از: کتب، گزارش‌ها و برخی مقالات) سعی بر آن دارد تا به پرسش‌های مطرح در این پژوهش پاسخ منطقی ارائه دهد. نتایج بیانگر آن است که یافته‌های شیشه‌ای محوطه‌های کوهستانی خوزستان به احتمال زیاد وارداتی بوده و نمی‌توانند در خود محل تولید شده باشند. فناوری ساخت و تولید اکثر اشیاء مذکور با روش دمیده آزاد بوده است؛ هر چند از روش‌های دمیده در قالب، فشردن در قالب و قالب گلی نیز بهره برده‌اند که برای ساخت زیورآلات بوده است. ظروف شیشه‌ای مذکور اغلب مربوط به پیاله‌هاست، ولی ظروف ویژه مواد دارویی، آرایشی، ساغر و جام‌ها نیز جزو یافته‌ها بودند؛ هم‌چنین یافته‌های شیشه‌ای نشان می‌دهد که تجارت این کالا و روابط صلح‌آمیز فرهنگی در کنار کشمکش‌های نظامی ایران و روم برقرار بوده است.

**کلیدواژگان:** خوزستان، یافته‌های شیشه‌ای، دوره اشکانی، کل چن‌دار، برده‌نشاند.

## مقدمه

دشت خوزستان در جنوب غربی ایران قرار دارد و از دو منطقه جغرافیایی کوهستانی و دشت تشکیل شده است. رودهای پر آب و زمین‌های حاصلخیز این منطقه باعث شکل‌گیری تمدن‌های بزرگی از دوران پیش از تاریخ تا حال حاضر شده است. در دوره اشکانی، شاهد قدرت‌گیری و حضور اقوام الیمایی هم در مناطق کوهستانی و هم در دشت‌های خوزستان هستیم. یکی از صنایعی که از دوره اشکانیان رونق گرفت، شیشه بود. در قرن اول پیش از میلاد به دلیل اختراع لوله دم در نواحی سوری-فلسطینی، هنر شیشه‌گری از حالت تجملاتی خارج و به صورت تولید انبوه درآمد. در کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی دشت خوزستان نیز آثار فراوانی از شیشه‌های دوره اشکانی یافت شده که در این پژوهش مورد تحقیق و بررسی قرار گرفتند. این آثار شامل قطعاتی از ظروف دارویی و آرایشی، پیاله، ساغر، زیورآلات و غیره می‌شود که اکثراً به روش دمیده آزاد، به رنگ سبز و با تزئینات مختلف ساخته شده‌اند. شیشه‌های اشکانی در محوطه‌های دشت و مسطح خوزستان بسیار یافت می‌شود، در حالی که در نواحی کوهستانی فقط در چند محوطه نمونه‌هایی یافت شد. آثار یافت شده از لحاظ فرم و تزئین در تمامی دشت خوزستان شبیه یکدیگر هستند. با توجه به یافته‌های باستان‌شناختی، تولید شیشه در دشت خوزستان، وجود داشته و هم‌چنین نمونه‌هایی را هم از نواحی غربی ترچه از راه خشکی و چه دریا وارد می‌کردند (جعفری‌زاده، ۱۳۹۷). هم‌چنین نمونه‌های مشابهی نیز از سایر محوطه‌های دوره اشکانی ایران و مناطق همجوار مثل: میان‌رودان، نواحی شرقی مدیترانه، ارمنستان، مصر و مناطق تحت سیطره روم به دست آمده که نشان از روابط صلح‌آمیز فرهنگی و تجاری دارد.

در دوره اشکانی آمیزه‌ای از ویژگی‌های نو و التقاطی فرهنگ و هنر یونان و شرق جایگزین ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی پیشین شد (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۴). هنرمندان پارسی نخستین شرقیانی بودند که ناگزیر شدند با هنر هلنی دست‌وپنجه نرم‌کنند و شیوه‌های آن را بپذیرند و جذب کنند. بسیاری از کسانی که این سبک هنری را به کار می‌بستند، بی‌گمان از بازماندگان یونانی‌های معاصر بودند (کالچ، ۱۳۸۵: ۱۵۸). این آمیزه هنری در صنعت شیشه‌گری نیز جلوه کرده است. البته باید یادآور شد که هنر شیشه‌گری در بسیاری از مراکز تمدن جهان باستان از توسعه‌ای متوازن با هنرهای دیگر برخوردار نیست و هنری است که دیر وارد چرخه تمدن شده است؛ به عنوان مثال، در حالی که آشوریان در زمان «سارگن» در معماری، مجسمه‌سازی، برجسته‌کاری، فلزکاری و نهادهای اجتماعی به مرحله‌ای از تکامل دست‌یافته بودند، اما در شیشه‌گری و ساخت ظرف‌های شیشه‌ای مراحل مقدماتی تحول را می‌پیمودند. این امر البته به دلیل ویژگی‌های ساختار شیشه و روش‌های ساخت پیشرفته‌ای است، که می‌طلبد (Barag, 1985: 16). دوره اشکانی شاهد شکوفایی صنعت شیشه در گستره وسیع حکومت ایشان بود که هرگز پیش از آن مشاهده نشده بود. رشد صنایع تولیدی با باز شدن بازارهای جدید همراه شد که افزایشی را در تجارت راه‌دور به همراه داشت (Tiat, 1995: 8). شیشه‌سازی این دوره

یک رنسانس و هم‌چنین تغییراتی مهمی را تجربه کرد که با نوآوری شیشه‌های دمیده شده در اواسط قرن نخست پیش از میلاد به اوج خود رسید (Barag, 1985: 59). روش دمیدن موجب تولید انبوه ظروف شیشه‌ای شد. هم‌چنین با استفاده از این روش بر تنوع شکل و اندازه شیشه‌های ساخته شده، افزوده شد (علی اکبرزاده کرمهینی، ۱۳۷۳: ۲۱). وجود آثاری که از محوطه‌های باستانی دوره اشکانی در مناطق تحت تسلط ایشان به دست آمده حاکی از استمرار و تداوم این صنعت در طول حکومت درازمدت ایشان است (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۱۲۶). در کاوش‌های باستان‌شناسی آثاری از ایران و میان‌رودان مربوط به سده‌های ۱ تا ۳ م. هم‌زمان با نیمه دوم حکومت اشکانی به دست آمده است که وسعت کاربرد ظروف و زیورها و دیگر آثار شیشه‌ای این دوره را نشان می‌دهد. بیشتر این آثار در گورهای اشکانی کشف شده‌اند (Barag, 1985: 92).

در دوره اشکانیان دشت خوزستان شاهد حضور اقوام الیمایی (از ساکنان بومی خوزستان) بوده که از دیرباز در این سرزمین، صاحب فرهنگ و تمدنی غنی بوده‌اند. آثار متعددی که از آن‌ها برجای مانده، گویای توان‌مندی‌شان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و حکومت‌داری است. معابد سنگی بسیار باشکوه، مقابر سردابه‌ای پرتکلف، انبوهی از نگارندها، سکه‌ها، گچ‌بری‌ها، پیکرک‌ها و مجسمه‌های فلزی، نمونه‌هایی از این آثارند. بی‌تردید الیمیاییان از معدود ایالت‌های خودمختار و کوچک محلی بودند که توانستند در تمامی ارکان دولت ایران، تأثیر به‌سزایی داشته باشند (فرای، ۱۳۸۲: ۴۳۹). حوزی سکونت الیمیاییان در جبهه جنوب غربی ایران، تقریباً تمامی ناحیه زیر فرمان‌فرمایی در ایلام جدید را شامل می‌شد. از دیگر سکونت‌گاه‌های اصلی آنان می‌توان به این مناطق اشاره نمود: دشت میان‌آب، دستوا، گلالک، شوش، ایذه، مسجدسلیمان، برده‌نشانده، صفة مسجدسلیمان و کلگه (سرفراز، ۱۳۵۷: ۴۴ - ۴۵)؛ هر چند که نمی‌توان شیشه‌گری دوره اشکانی را به این حکومت به‌عنوان تولیدکننده نسبت داد، اما از آنجا که ایشان در مسیر یکی از راه‌های مبادلاتی (که شرق را به غرب مرتبط می‌کرده است)، می‌زیسته‌اند و بیشتر مناطقی که از کاوش‌های آن آثار شیشه‌ای به دست آمده‌اند در زیستگاه‌های ایشان واقع است؛ پرداختن به این قوم را در ضمن بررسی شیشه‌گری دوره اشکانی می‌طلبید.

با کشف اشیاء شیشه‌ای در دشت خوزستان، این پرسش مطرح می‌شود که آیا کارگاه‌های شیشه‌گری در این منطقه وجود داشته‌اند؟ یا این‌که این آثار از میان‌رودان و سوریه از طریق راه‌های تجاری به این منطقه، وارد شده است؟ البته باید متذکر شد با وجود نمونه‌های اندکی از آثار شیشه‌ای که از مناطق تحت تسلط اشکانیان، به دست آمده، نمی‌توان اطمینان داشت که آیا در این زمان فعالیت شیشه‌سازی محلی در میان‌رودان و یا در داخل محدوده کنونی ایران در جریان بوده است و یا پس از دوره هخامنشی متوقف و به وارد کردن شیشه‌های جهان غرب (هلنی) اکتفا می‌شده است؟ به هر حال راه‌های عبور کالا، در این دوره بازگشایی شده بود (فوکایی، ۱۳۷۱: ۳۱) و راهی که از سوریه و شمال میان‌رودان به خلیج فارس

ارتباط می‌یافت و تحت نظارت دولت اشکانی بود، توزیع کالا را در این زمان تسهیل می‌کرد (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۷۳). بیشتر ظروف شیشه‌ای دوره اشکانی، شامل ظروف ویژه مواد دارویی و یا بهداشتی هم‌چون عطر، روغن و سرمه بوده است که از سرزمین‌های غربی هم‌چون سواحل مدیترانه تا بگرام دیده می‌شود. علت اصلی این امر نیز تجارت از راه‌های گوناگون مخصوصاً جاده ابریشم بوده است.

هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی، معرفی و تحلیل نمونه‌هایی از اشیاء و ظروف شیشه‌ای دوره اشکانی (الیمایی) است که از کاوش‌های باستان‌شناسی دو محوطه باستانی در مناطق کوهستانی خوزستان، یعنی برده‌نشانده و کل‌چندار به دست آمده‌اند. هدف دیگر نگارندگان از انجام این پژوهش، مقایسه داده‌های شیشه‌ای این محوطه‌ها با سایر نمونه‌های مشابه در مناطق دیگر جهت بررسی و استناد دقیق می‌باشد. هدف نهایی این است که اطلاعاتی بیشتر در مورد صنعت شیشه‌گری اشکانی از نظر تکنیک ساخت، تزئینات، نوع کاربری و ارتباطات تجاری، به دست آید. هم‌چنین شناخت تفسیری قطعات مورد مطالعه و شناخت روند تحولی صنعت شیشه‌گری در این مناطق نیز از دیگر اهداف این پژوهش می‌باشند.

اهمیت پژوهش انجام شده بدین جهت است که تاکنون تحقیق جامعی درباره صنعت و فنون شیشه‌گری و داده‌های شیشه‌ای مکشوف از دشت خوزستان به طور عام و دوره اشکانی به طور خاص، که مهم‌ترین تحول، یعنی -دمیدن شیشه در این دوره اتفاق افتاده است- انجام نشده است. در طول سالیان گذشته کاوش‌های غیرمجاز باعث آشفته‌گی زمانی و مکانی بسیاری از میراث فرهنگی از جمله آثار شیشه‌ای ایران شده است و در نتیجه بسیاری از آن‌ها در مجموعه‌ها و موزه‌های جهان پراکنده شده‌اند و از این رو با بی‌توجهی به آن‌ها در مجموعه‌ها و انبارهای موزه‌ها، به ویژه در ایران بسیاری از پرسش‌های کلیدی در باره آن‌ها بی‌پاسخ مانده است. بسیاری از آثار شیشه‌ای دوره اشکانی در کاوش‌ها نادیده گرفته شده‌اند و یا در گزارش‌های کوتاه به شکل آن اشاره و از آن‌ها یاد شده است و هرگز منتشر نشده‌اند. ناگفته نماند که حتی پژوهشگران این دوره نیز در ضمن توصیف هنرهای دوره اشکانی کمتر به هنر شیشه‌گری این دوره پرداخته‌اند. ضرورت انجام این پژوهش در شناخت بیشتر از یافته‌های شیشه‌ای، ارتباطات تجاری، وجود کارگاه‌های شیشه‌ای و کسب اطلاعات بیشتر در خصوص روش ساخت، شکل و تزئینات آن‌ها در این دوره است.

**پرسش‌های پژوهش:** پرسش‌های پژوهش عبارتند از این‌که، با استناد به یافته‌های شیشه‌ای مذکور، کارگاه‌های شیشه‌گری در این منطقه وجود داشته یا این‌که اشیاء شیشه‌ای وارداتی هستند؟ روش ساخت اشیاء شیشه‌ای مذکور چیست؟ گونه‌های رایج ظروف مورد مطالعه در این نوشتار کدامند و چه نوع کاربری داشته‌اند؟

### پیشینه پژوهشی

داده‌های باستان‌شناختی، گواه بر این است که صنعت شیشه‌گری از قدیم در دشت

خوزستان رواج داشته و به مرور زمان سیر تحول و پیشرفت خود را حفظ کرده است؛ به‌عنوان مثال، از کاوش‌های شوش (گیرشمن، ۱۳۷۳: ۳۳۷-۳۳۶)، گلالک شوشتر (رهبر، ۱۳۷۶)، صالح‌داود شوش (رهبر، ۱۳۸۲)، دستوا در شوشتر (رهبر، ۱۳۸۳) و گورستان اشکانی مجموعه محوطه‌های جو بَجی رامهرمز (شیشه‌گر، ۱۳۹۴)، مقادیری اشیاء شیشه‌ای شامل: قطعات ظروف، دستبندها و مهره‌ها از قبور و آرامگاه‌های مربوط به دوره اشکانی به دست آمده است. هم‌چنین در میان رودان نیز ظروف شیشه‌ای اشکانی از مناطقی چون: بابل، وارکا و تیسفون (Barag, 1985: 59-60)، تل ماحوز (Negro Ponzi, 1968: 69)، ابوسخیر (Ibid, 1972: 215)، کشف شده است. علاوه بر آن در پترا در اردن، دورا-اروپوس در سوریه، برخی محوطه‌های دوره اشکانی در آذربایجان، ارمنستان و قفقاز نیز اشیاء شیشه‌ای کشف شده است (صالح‌وند، ۱۳۹۱: ۹۷-۸۹). در نواحی شرقی امپراتوری اشکانی و در سرزمین کوشانی نیز یافته‌های شیشه‌ای بسیاری، به‌عنوان مثال از گنجینه بگرام حدود ۱۸۰ قطعه به دست آمده که با توجه به نمونه‌های مشابه، ظروف رومی هستند که به منطقه وارد شده‌اند (Whitehouse, 2001: 437) البته آزمایش‌های علمی نیز در جهت شناسایی ساختار و مواد اولیه ظروف شیشه‌ای انجام گرفته است (آقاعلی‌گل و همکاران، ۱۳۹۸؛ Hill, 2008; Rehren et al., 2015)، که به دلیل عدم دسترسی نگارندگان به یافته‌ها نتوانستند بر روی آن‌ها پژوهش‌های آزمایشگاهی انجام دهند و نگارندگان با روش طبقه‌بندی و مقایسه یافته‌ها اقدام به نگارش مقاله حاضر نموده‌اند.

### کلیاتی در مورد جغرافیایی تاریخی الیمایی‌ها

سرزمین الیمایی قسمت شرقی و شمالی ناحیه ایلام کهن و دامنه غربی کوه‌های بختیاری را دربر می‌گرفت که در منابع باستانی به‌عنوان یکی از راه‌های رسیدن به شوش، پایتخت زمستانی هخامنشیان یاد شده است و گاه پادشاهان پارس برای گذشتن از آن مجبور می‌شدند به مردمان کوه‌نشین آن باج‌دهند (استرابو، ۱۳۸۲: ۵۱؛ اُمستد، ۱۳۷۲: ۲۲). به نظر می‌رسد اقوام الیمایی در منطقه‌ای که از شرق به اصفهان، از جنوب به فارس، از غرب به خوزستان و از شمال به ماد محدود می‌شد، ساکن بودند که در واقع بر سر مسیرهای ارتباطی چهار ایالت مهم قرار داشت و این امر موقعیت ممتازی را به آن‌ها می‌بخشید که می‌توانست ثروت زیادی را برای این سرزمین فراهم کند (مارکورات، ۱۳۸۳: ۳۲). با توجه به مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته چنین به نظر می‌رسد که الیمایی‌ها در اصل راهزنان کوهستان بودند که پیش از هجوم «اسکندر» به جلگه آب دز آمدند و به کار کشاورزی که از همسایگان غربی خود آموخته بودند، پرداختند (یارشاطر، ۱۳۸۰: ۴۰۹). در همین ارتباط «استرابو» چنین بیان می‌کند که الیمایی‌ها مردمانی غارت‌گر بودند که در کوهستان‌ها زندگی کرده و سرزمین آن‌ها در شمال شرقی شوش بوده است (Strabo, II: 241). علاوه بر ایشان، «آپیان» نیز گزارش می‌کند که الیمایی‌ها در کوه‌های بلند زندگی می‌کنند، در حالی که روی شتران تندرو سوار هستند و با زبردستی و چالاکی، تیررها می‌کنند

(Hansman, 1998: 373). «پلینی» نیز الیمایس را سرزمینی وسیع در شرق رود کارون می‌داند که از شهرهای مهم آن سلوکیه و سوستراته در دامنه کوه خاسیروس، می‌باشد؛ وی اشاره می‌کند که این محل به قدری باتلاقی است که برای رسیدن به فارسستان باید الیمایس را دور زد (Pliny, VI: 31, 134-136). بر همین اساس برخی پژوهشگران هم چون «هنینگ» بر این باور هستند که تنگ سروک در شمال بهبهان مرکز پادشاهی الیمایی در سده دوم پیش از میلاد تا پایان دوره اشکانی بوده و نواحی کارون، خصوصاً دره‌های جراحی و سرچشمه‌هایش به آن متعلق بوده است (Henning, 1952: 177). با این حال مشخص است که ناحیه اصلی الیمیایان بخش مرکزی رشته‌کوه‌های زاگرس بوده است و دشت‌های پیرامون و دزفول و شوشتر و رامهرمز را نیز دربر می‌گرفته است (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶: ۱۰).

### پیشینه کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه‌های الیمایی

کاوش‌های انجام‌گرفته درخصوص الیمایی‌ها بیشتر به مناطق شمال شرق خوزستان محدود می‌شود (رضایی‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۴۳). اولین محوطه منسوب به دوره الیمایی که مورد کاوش قرار گرفت، محوطه شمی است که در شمال غرب ایزه قرار دارد. «اورل اشتاین» در سال ۱۹۳۶ م. به مدت یک هفته در این مکان به کاوش پرداخت که حاصل آن یافت شدن معبد، مجسمه‌های مفرغی و قبور سنگی بود. این یافته‌ها سرآغازی برای مطالعات باستان‌شناسی الیمیایان بود (Stein, 1940). گام دوم در مطالعات الیمایی با پژوهش‌های صورت‌گرفته در برده‌نشانده و سرمسجد در مسجدسلیمان وارد مرحله جدید شد. برده‌نشانده طی سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۶۴ م. سه بار توسط «گیرشمن» مورد کاوش قرار گرفت. آثار یافت‌شده از برده‌نشانده شامل معبد چهارستونی، سکوی نیایش که بر صفا ای بنا شده است؛ بنایی که «کاخ» نامیده شد و شهرکی است که پیرامون صفا گسترده شده است. گیرشمن هم‌چنین در فاصله سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۷۲ م. به کاوش در صفا سرمسجد (صفا مسجدسلیمان) پرداخت و گزارش نهایی کاوش او در ۱۹۷۶ م. منتشر شد. او در آنجا صفا ای عظیم یافت که بر آن بناهایی هم‌چون: سکوی نیایش، بنای سه ایوانی، معبد بزرگ و معبد هرکول احداث شده بود (Girshman, 1976). در ۱۳۴۷ ه.ش. «علی‌اکبر سرفراز» در منطقه موسوم به «ماهی‌بازان (دستوا)» در سه کیلومتری جنوب شرق شوشتر به کاوش پرداخت که در پی آن آرامگاهی الیمایی نمایان شد (سرفراز، ۱۳۴۸). وی در ۱۳۵۲ ه.ش. نیز در طی یک کاوش در تپه کلگه مسجدسلیمان در محل احداث بیمارستان شرکت نفت بخشی از بقایای معبدی به دست آورد که دیوار آن مزین به نقش برجسته است (سرفراز، ۱۳۵۷). هم‌چنین در بخش گلالک در سه کیلومتری شوشتر در پی مشخص شدن بخشی از سقف آرامگاهی کاوش در منطقه از سال ۱۳۶۵ ه.ش. به سرپرستی «مهدی رهبر» آغاز شد. در پی این کاوش‌ها پنج آرامگاه از شاهان الیمایی و بنای خشتی عظیمی یافت شد که حاصل مطالعات ایشان در چند منبع مختلف منتشر شده است (رهبر، ۱۳۷۶؛ رهبر، ۱۳۷۳ & Rahbar, 1999; Rahbar, 1999; Rahbar, 1997). رهبر در سال ۱۳۷۹

ه.ش. آرامگاه الیمایی دیگری در روستای صالح داوود در نزدیکی ایوان کرخه کاوش نمود که تا سال ۱۳۸۱ ادامه داشت (رهبر، ۱۳۸۲؛ Rahbar, 2006). آرامگاه‌های مکشوف از هر دو محل جنبه‌هایی از سنت خاک‌سپاری و باورهای آئینی الیمیاییان را آشکار نمود (رهبر، ۱۳۷۹). «جعفر مهرکیان» نیز که از سال ۱۳۶۱ ه.ش. به مطالعه نقوش برجسته الیمایی در ایزده و کوه‌های بختیاری پرداخته بود (مهرکیان، ۱۳۷۵)، چندین فصل در بخش‌های مختلف دره ایزده، مثل محوطه کل چندار به کاوش پرداخت و آثار مهمی از دوره الیمایی را کشف نمود (مهرکیان، ۱۳۹۵).



► تصویر ۱. مجموعه آرامگاهی در محوطه کل چندار (مهرکیان، ۱۳۹۵).

### محوطه کل چندار

محوطه کل چندار در دره «شمی» به درازای نزدیک به هفت کیلومتر، در میانه نزدیک به ۹۰ کیلومتری از شمال غربی شهر امروزی ایزده، در سوی غرب دشت سوسن است. کاوش‌های این محوطه در سه فصل از سال ۱۳۹۲ شروع و تا سال ۱۳۹۴ ادامه یافت (مهرکیان، ۱۳۹۵). از کاوش‌های این محوطه چهار نوع آرامگاه از دوره الیمایی کاوش و شناسایی شد (تصویر ۱).

### یافته‌های شیشه‌ای کل چندار

از کاوش‌های محوطه «کل چندار»، ظروف شیشه‌ای دوره اشکانی (منسوب به الیمایی‌ها) به دست آمده که در حال حاضر در موزه باستان‌شناسی شهر ایزده نگه‌داری می‌شوند. در طی کاوش‌های فصل سوم این محوطه، دو عدد ظرف شیشه‌ای ویژه مواد دارویی به دست آمده است. این دو بطری شیشه‌ای با وجود صدف و رسوب گرفتگی، در طیفی از رنگ سبز و به روش دمیده آزاد ساخته‌اند. شکل و فرم هر دو آن‌ها کاملاً شبیه به هم است و دارای لبه به بیرون برگشته، گردن کاملاً کشیده و عمودی و مخزنی کوچک است. شکل شماره ۱ در تصویر ۳ از آرامگاه شماره ۲۸ و

شکل شماره ۲ در تصویر ۳، از گور یک کودک در آرامگاه شماره ۲۶ کل چندار به دست آمده است (تصویر ۲).



تصویر ۲. یافته‌های شیشه‌ای از محوطه کل چندار (مهرکیان، ۱۳۹۵).  
تصویر ۳. روغن‌دان شیشه‌ای در تدفین کودک محوطه کل چندار (مهرکیان، ۱۳۹۵).

مشابه این روغن‌دان‌ها با گردن استوانه‌ای بلند و کشیده از شوش (صالح‌وند، ۱۳۹۴: ۱۰۶)، آرامگاه الیمایی گلالک در دستوا (رهبر، ۱۳۷۷)، دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۵۱، شکل ۳۳)، رضاییه (صالح‌وند، ۱۳۹۴: ۱۰۷)، نهاوند (شریفی، ۱۳۹۲: ۳۶، کاتالوگ: ۱۱)، تل ماحوز (Negro Ponzi, 1968-69: Fig. 153: Nos: 12-14)، گارنی در ارمنستان (Arakelian et al., 1969: Fig. 6) و نواحی شرقی مدیترانه (Antonaras, 2012: 215, Fig. 326) به دست آمده است. با توجه به نمونه‌های مشابه این دو روغن‌دان به نظر می‌رسد که فرم ظروفی با گردن کشیده از ویژگی‌های ظروف این دوره است که هنرمند شیشه‌گر علاقمند به تولید آن‌ها به این شکل بوده است. حتی این فرم تا دوره ساسانی نیز تولید می‌شد، به گونه‌ای که نمونه‌های آن از «وه‌اردشیر» (سیمپسون، ۱۳۹۴: ۷۳، شکل ۷) نیز یافت شده است. (مشخصات فنی این یافته‌های شیشه‌ای در جدول ۱ آمده است).

جدول ۱. مشخصات فنی شیشه‌های اشکافی کل چندار (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ردیف	شکل	رنگ	اندازه‌ها به سانتی‌متر	روش ساخت	تزئین	نمونه‌های منتشر شده و قابل مقایسه
۱	بطری روغن‌دان، لبه به بیرون برگشته، گردن کشیده و عمودی، محفظه کوچک	سبز	بلندا: ۱۲/۱ قطر دهانه: ۲/۷ قطر کف: ۳	دمیده آزاد	ساده	شوش Buocharlat & Haierinck, 2011: Pl. 21, Gs. 2477
۲	بطری روغن‌دان، لبه به بیرون برگشته، گردن کشیده و عمودی، محفظه کوچک	سبز	بلندا: ۱۲/۱ قطر دهانه: ۲/۷ قطر کف: ۳	دمیده آزاد	ساده	دیلمان فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۵۱، شکل ۳۳

### محوطه معبد برده‌نشانده

محوطه معبد برده‌نشانده در ۱۶ کیلومتری شمال شرق مسجدسلیمان واقع است و جاده کوهستانی مسجدسلیمان به استان چهارمحال و بختیاری از شمال آثار تاریخی این محوطه می‌گذرد (تصویر ۴). کاوش‌های باستان‌شناسی در این محوطه، بین سال‌های ۱۹۶۴-۱۹۶۶ م.، به سرپرستی گیرشمن انجام شد (Ghirshman, 1976). آن‌چه که برده‌نشانده را بحث‌برانگیز کرده، وجود صدفه‌ای مستطیل شکل





► تصویر ۴. محوطه و صفت معبد برده‌نشانده، دید از جنوب (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ساخته شده از تخته سنگ‌های کوچک و بزرگ نتراشیده‌ای است که این شکل‌ها، ابعاد و اشکال مختلفی دارند. صفت خشکه چین و بدون ملات ساخته شده است و نمای آن که اندکی تراش داده شده، از پشت‌بندهایی ساخته شده که در بنا سایه‌روشن ایجاد می‌کند. صفت به دو بخش فوقانی (I-II) و تحتانی (III) تقسیم شده است و در سه مرحله توسعه یافته است. بر صفت پایینی، معبدی واقع شده که گیرشمن آن را «معبد چهارستونی» نامیده است. زاویه‌های معبد برابر با جهت‌های اصلی است. نمای معبد را رواقی تشکیل می‌دهد که کف آن سنگ‌فرش و سقف آن روی ۱۶ ستون در دو ردیف هشت تایی استوار شده است. داخل معبد نیز تالاری چهارستونی قرار دارد. گیرشمن، بر اساس نقوش برجسته زن و مرد روی سرستون کشف شده از معبد برده‌نشانده، آن‌ها را به آناهیتا و میترا نسبت داده و این معبد را به آن‌ها منسوب کرده است. هم‌چنین بر اساس سکه‌های الیمایی کشف شده، این معبد را به قرن دوم میلادی تاریخ‌گذاری کرد (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۵۲)، (تصویر ۴).

### یافته‌های شیشه‌ای معبد برده‌نشانده

از کاوش‌های معبد برده‌نشانده تعدادی قطعات ظروف و هم‌چنین مهره‌ها و آثار شیشه‌ای به دست آمده است. این آثار شامل ظروف ویژه مواد دارویی، پیاله، ساغر، مهره، دوک نخ‌ریسی، پیکرک‌های انسانی، اشیاء بازی، حلقه و سایر یافته‌ها است.

#### ۱- ظروف ویژه مواد دارویی

اشیاء شیشه‌ای یافت شده از برده‌نشانده، که جزو ظروف ویژه مواد دارویی طبقه‌بندی شدند، شامل بطری‌های کوچک هستند که لبه به بیرون برگشته، گردن کشیده و عمودی و بدنه‌ای گلابی‌شکل دارند.

- **ظروف سالم:** تنها ظرف سالمی که از این محوطه یافت شده مربوط به عطردان کوچکی است که اکنون در موزه ملی ایران (به شماره ثبتی ۱۰۵۲) که نگه‌داری می‌شود. این شیء که در موزه جزو آثار یافت شده از شوش، طبقه‌بندی شده، احتمالاً از معبد برده‌نشانده یافت شده و به اشتباه به شوش نسبت داده شده است. این ظرف دارای گردن کشیده و بلند است که لبه آن نیز به بیرون برگشته است. بدنه آن تخم‌مرغی و کف آن نوک‌تیز است و حالت ایستایی ندارد. به‌طور

کلی این ظرف بسیار شبیه به ظروف قالب گلی اولیه مثل اور و آمفوراها ی یونانی و رومی، ولی به روش دمیده آزاد ساخته شده است (تصویر ۵: شکل ۱). نمونه مشابه این عطردان از تل ماحوز (Negro Ponzi, 1968-69: Fig. 158: 18) نیز به دست آمده است.

**- لبه و گردن:** شی دیگری که در این گروه قرار می‌گیرد، شکل شماره ۲ در تصویر ۶، مربوط به لبه و گردن بطری کوچک روغن دان یا عطردان است. لبه آن به بیرون برگشته و گردن عمودی و بلند دارد و به روش دمیده آزاد ساخته شده است. نمونه مشابه این شی از کاوش‌های دستوا (رهبر، ۱۳۷۷) و صالح‌داوود (رهبر، ۱۳۷۸: ۱۲۳)، تل ماحوز (Negro Ponzi, 1968-69: Fig. 154: 25)، قصیر القدیم در مصر (Meyer, 1992: Pl. 9, Fig. 178) نیز به دست آمده است.

شماره‌های ۳ و ۴ در تصویر ۵ نیز جزو ظروف ویژه دارویی طبقه‌بندی شدند. این دو قطعه نیز مربوط به لبه، گردن و قسمتی از بدنه ظرف هستند. شی شماره ۳ که به روش دمیده آزاد و به رنگ سبز روشن ساخته شده، دارای لبه کاملاً به بیرون برگشته، گردن عمودی و کوتاه و بدنه‌ای گلابی شکل است. احتمالاً این ظرف دارای دسته بوده که شکسته و مفقود شده است. بر روی بدنه دو زائده نیشگونی آژمانند دیده می‌شود، هنگامی که شیشه داغ بوده، با کمک انبر از بدنه اصلی ایجاد شده است. نمونه مشابه این بطری با زائده‌های تزئینی روی سطح بیرونی بدنه از ابوسخیر (Negro Ponzi, 1972: Fig. 21, Nos: 40-41)، و قبرس (Harden, 1934: Pl. VIII: C) مربوط به قرن ۳-۱ م. نیز کشف شده است.

شکل شماره ۴ نیز بطری روغن‌دانی است که به رنگ سبز روشن و کم‌رنگ ساخته شده و لبه به بیرون برگشته، گردن عمودی و کوتاه و بدنه‌ای کروی دارد. دورتادور لبه را نوار برجسته‌ای پوشانده و احتمالاً لبه به داخل تاخوردگی است. قسمتی از کف شی نیز در کنار این قطعه در کاوش یافت شده که در طرح مشخص است. تزئینات آن شامل شیارهای منحنی موازی روی بدنه است که با توجه به این شیارهای برجسته، احتمالاً این شی به روش دمیده در قالب ساخته شده است. نمونه مشابه این روغن‌دان از نواحی شرقی مدیترانه، سوریه و فلسطین (Antonaras, 2012: Pl. 90, Fig. 104) به تاریخ قرن ۴ م.، ابوسخیر (Negro Ponzi, 1968-69: Fig. 155: 48) و تل ماحوز (Negro Ponzi, 1968-69: Fig. 155: 48) کشف شده است. با توجه به نمونه‌های مشابه احتمالاً این دو ظرف از مناطق غربی تر به برده‌نشاندگی وارد شده‌اند.

**- بدنه:** تصویر ۵، طرح شماره ۵ مربوط به بدنه یک بطری ظروف دارویی است که دارای دو نوار افزوده افقی بر روی بدنه است. با توجه به نمونه‌های مشابه، احتمالاً سرتاسر بدنه این شی دارای نوارهای افزوده افقی بوده که شکسته و مفقود شده است. نمونه مشابه این بطری‌ها با تزئین نوار افزوده افقی روی بدنه از کاوش‌های شائور (جعفری‌زاده، ۱۳۹۷)، تل ماحوز (Negro Ponzi, 1968-69: Fig. 160: 50) و نواحی شرقی مدیترانه (Antonaras, 2012: Pl. 212, Fig. 317) به دست آمده است.

**- دسته:** در میان یافته‌های برده‌نشاندگی، یک دسته هم پیدا شده که احتمالاً

مربوط به یک بطری یا روغن‌دان شیشه‌ای بوده که شکسته و از بدنه اصلی جدا شده است. این دسته نیز به رنگ سبز روشن و به شکل نیم‌دایره است. این دسته بعد از این که ظرف اصلی ساخته شد، به بدنه و گردن بطری الحاق شده است (تصویر ۵، طرح شماره ۶). نمونه این بطری‌های دسته‌دار در اغلب محوطه‌های اشکانی مثل سرخه‌دیزه کرمانشاه (صالح‌وند، ۱۳۹۴: ۹۱)، نهاوند (شریفی، ۱۳۹۲: ۴۵، کاتالوگ ۱۸) و دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۴۵) یافت شده است.

## ۲- پیاله

قطعات یافت شده مربوط به پیاله‌های شیشه‌ای برده‌نشاندۀ دارای تزئینات متنوعی روی بدنه هستند. هم‌چنین از تکنیک‌های مختلفی جهت ساخت آن‌ها هم‌چون دمیده آزاد، دمیده در قالب و تراش استفاده شده است. اغلب یافته‌ها مربوط به بدنه پیاله‌ها می‌شود، اما چند قطعه از آن‌ها نیز مربوط به کف هستند.

**کف:** طرح شماره ۷ در تصویر ۵، مربوط به یک پیاله است که بدنه‌ای هلالی و به بیرون آمده دارد. هم‌چنین طرح شماره ۸ در تصویر ۵ نیز مربوط به کف پیاله است. این شیء آبی‌رنگ به‌روشنی دمیده آزاد ساخته شده و کف آن به داخل ظرف فرو رفته و بدنه آن کمی به بیرون آمده که شکسته و مفقود شده است.

**بدنه:** از کاوش‌های برده‌نشاندۀ، چند قطعه شیشه‌ای مربوط به بدنه پیاله به دست آمده که دارای تزئینات متنوعی هستند؛ به‌عنوان مثال، طرح‌های شماره ۱۱ تا ۱۵ در تصویر ۵، دارای نوار افزوده افقی به دور بدنه است. طرح شماره ۱۴ دارای نوار افزوده طنابی به دور بدنه است که از ویژگی‌های تزئینات دوره اشکانی محسوب می‌شود. نوار افزوده طرح شماره ۱۵ نیز به رنگ سفید است. همه این اشیاء به‌روشنی دمیده آزاد ساخته شده و سپس نوار باریک به دور آن‌ها افزوده شده است. مشابه این تزئینات از نواحی مختلف دشت خوزستان مثل شائور (جعفری‌زاده، ۱۳۹۸: ۴۹، شکل ۲۰-۲۳) و صالح‌داوود (رهبر، ۱۳۷۸: ۱۲۳) در دشت شوش و دستوا (رهبر، ۱۳۸۳) در دشت شوشتر یافت شده است. هم‌چنین از نهاوند (شریفی، ۱۳۹۲: ۶۰، کاتالوگ ۳۱)، گورستان اشکانی وارکا (Barag, 1985: 95, Fig. 9, No. 123)، نواحی شرقی دریای مدیترانه (Antonaras, 2012: 110, Fig. 139) و قصیر القدیم در مصر (Meyer, 1992: Pl. 10, Fig. 213) نیز به دست آمده است.

در میان این قطعات، طرح شماره ۱۶ در تصویر ۵، بسیار جالب است؛ این شیء به‌روشنی دمیده در قالب و به رنگ آبی ساخته شده است. بر روی بدنه آن نقش گل و یا درخت زندگی جلوه‌گر است. این احتمال وجود دارد که سرتاسر بدنه این شیء دارای نقوش و تزئینات نمادین بوده که شکسته و مفقود شده است. با توجه به نمونه‌های مشابه، احتمالاً این ظرف در مناطق غربی‌تر مثل سوریه و نواحی تحت سیطره روم ساخته و به برده‌نشاندۀ آورده شده است؛ هرچند که نمونه‌هایی از تزئین به صورت نوارهای برجسته افزوده به شکل دایره‌های متصل به هم شبیه زنجیر و خطوط موج و منحنی (مارپیچی) از شائور (جعفری‌زاده، ۱۳۹۸: ۴۹؛ شکل ۲۹-۳۰)، دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۲۷)، نهاوند (شریفی، ۱۳۹۲: ۷۰)، کاتالوگ

۴۰)، گارنی ارمنستان (Arakelian et al., 1969: Fig. 87) و تل ماحوز (Negro Ponzi, 1968-69: Fig. 157: No. 70) یافت شده است.

دو قطعه از بدنه پیاله نیز در کاوش‌های برده‌نشانده پیدا شده که به روش دمیده در قالب ساخته شده و دارای نوارهای خیاری برجسته عمودی بر روی ظرف است. طرح شماره ۱۷ در تصویر ۵، به رنگ سبز و از ورودی جنوبی معبد اصلی یا بزرگ و طرح شماره ۱۸ در تصویر ۵، که از شیشه شفاف به رنگ سبز روشن ساخته شده، از ساختمان‌های جنوب غربی معبد بزرگ برده‌نشانده کشف شده است. این نوع پیاله‌ها با تزئینات برجسته عمودی در قسمت بیرونی ظرف از زیر لبه تا کف، به تقلید از هنر هخامنشیان در دوران هلنی و اشکانی ساخته شده‌اند. این نوع تزئین عمدتاً در مناطق سوریه، فلسطین، مصر و امپراتوری روم از قرن ۳-۲ پ. م. رایج بوده است. ظروفی نیز که با این تزئین در محوطه‌های اشکانی ایران به دست می‌آیند، احتمالاً از نواحی غربی وارد شده‌اند. به نظر نگارنده، زمان ساخت این دو شیء از لحاظ تاریخ نگاری به ۵۰ پ. م. بازمی‌گردد. نمونه مشابه این پیاله‌ها از جوبین گیلان (صالح‌وند، ۱۳۹۴: ۷۳)، سرخه‌دیزه کرمانشاه (همان: ۷۹)، نهاوند (شریفی، ۱۳۹۲: ۷۳، کاتالوگ: ۴۲)، بگرام در افغانستان (Whitehouse, 2012: 55, Figs 2-3)، قصیر القدیم در مصر (Meyer, 1992: Pl. 1, Figs. 2-4)، نواحی شرقی مدیترانه (Antonaras, 2012: 56, Fig. 20) و روم (Newby, 1995: 7, Fig. 34) یافت شده است.

سه قطعه شیشه مربوط به بدنه پیاله که به روش تراش ساخته شده‌اند از معبد «هرمس» برده‌نشانده در طی کاوش‌های باستان‌شناسی نیز کشف شده‌اند. طرح شماره ۱۹ در تصویر ۵، دارای تزئین لانه‌زنبوری شش‌وجهی است که بسیار شبیه نمونه‌های پیاله‌های تراش دار ساسانی است. اما کاوشگر بیان کرده که این قطعات در لایه‌های الیمایی و اشکانی یافت شده است. طرح شماره ۲۰ در تصویر ۵ نیز دارای تزئینات بیضی تراش روی بدنه است که در دو ردیف متقارن تراشیده شده است. این احتمال وجود دارد که این نمونه‌ها نیز از مناطق رومی و سوریه به برده‌نشانده وارد شده باشد؛ هرچند که نمونه‌هایی از پیاله‌های تراش دار بیضی شکل از تپه جوبجی رامهرمز (شیشه‌گر، ۱۳۹۴) و تل برجی هندجیان (جعفری‌زاده، ۱۳۹۷: ۴۶۵)، هم‌چنین از دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۱۳)، شمام رودبار (همان: ۴۳)، پترا در اردن (همان: ۵۷؛ شکل ۲۴) و سودا گیلان در آذربایجان (همان: شکل ۲۵)، هم‌چنین ظروف تراش‌داری از بگرام در افغانستان (Whitehouse, 2012: 59, Figs 9-10) و قصیر القدیم در مصر (Meyer, 1992: Pl. 13, Figs. 331-332) و قبرس (Harden, 1934: Pl. VIII: B)، نیز مربوط به قرن ۳-۱ م. یافت شده است.

قطعه دیگری از بدنه پیاله در این محوطه یافت شده که دارای تزئینات تراش خطی منحنی و گاهی موازی و دانه‌های برنجی شکل است (تصویر ۵؛ شکل ۲۱). نمونه مشابه این تزئین از قصیر القدیم در مصر (Meyer, 1992: Pl. 13, Figs. 336) نیز به دست آمده که به تأثیر هنر رومی است.

### ۳- ساغر

شماره‌های ۹ و ۱۰ در تصویر ۵، دو عدد ساغر پایه‌دار با بدنه عمودی هستند که پایه‌ای کوتاه دارند. قسمت پایینی این پایه‌ها کاملاً به بیرون آمده و کف پایه دارای جای واگیره است. ساقه این پایه‌ها عمودی و کوتاه است. قسمت فوقانی این پایه‌ها به کف پیاله متصل شده که هم برزیبایی و هم برای استایی آن بیافزاید. پایه‌ها معمولاً از قسمت بدنه ظروف ضخیم‌تر و اغلب دو لایه هستند که نشانگر روش ساخت آن‌ها به روش دمیدن است. با توجه به نمونه‌های مشابه، این نوع تکنیک در دوره اشکانیان (رومی‌ها) بیشتر در مناطق سوریه، فلسطین و عراق و ایران دیده شده است. نمونه‌های این ساغرهای پایه‌دار و یا قطعات پایه‌ها از آرامگاه‌های سردابه‌ای گل‌الک شوشتر (رهبر، ۱۳۷۷)، صالح‌داوود (رهبر، ۱۳۷۸: ۱۲۳)، تل رضوان رامشیر (جعفری زاده، ۱۳۹۷: ۴۱۷) و سایر محوطه‌های اشکانی دشت خوزستان یافت شده است. هم‌چنین مشابه این نمونه‌ها از دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۳۱)، شمال غربی ایران (علی اکبرزاده کرم‌مینی، ۱۳۷۳: ۲۹)، نهاوند (شریفی، ۱۳۹۲: ۵۲)، کاتالوگ (۲۴)، نواحی شرقی دریای مدیترانه (Antonaras, 2012: Pl. 31, Fig. 58) و ابوسخیر (Ponzi, 1972: Fig. 22, No: 64) کشف شده است.

### ۴- مهره

از کاوش‌های برده‌نشاندۀ انواع مختلفی از مهره‌های گردنبند به دست آمده که در نوع خود بی نظیرند. این مهره‌ها شامل مهره‌های ساده بیضی، مهره‌های چندضلعی با تراش لوزی روی آن، مهره‌های کشیده با نقوش زیگزاگی پرمانند و مهره‌های چند پر به صورت شیارهای برجسته خیاره هستند؛ به عنوان مثال، طرح شماره ۲۲ در تصویر ۵، مربوط به مهره‌های شیشه‌ای بیضی شکل ساده به رنگ سبز است. هم‌چنین طرح شماره ۲۳ در تصویر ۵، مربوط به ۵۵ عدد مهره گردنبند ساده مدور از جنس خمیر شیشه به رنگ خاکستری و سیاه، قیر طبیعی، سنگ کریستال و سنگ زرد رنگ است. علاوه بر آن طرح شماره ۲۴ در تصویر ۵ نیز مربوط به مهره‌های گردنبند، شیشه‌ای به رنگ آبی تیره، زرد، سبز، سبز روشن یا کم‌رنگ، در اندازه‌ها و شکل‌های مختلف مثل مدور و بیضی است. یکی از آن‌ها نیز دارای نقوش کنگره‌ای روی بدنه است. طرح شماره ۲۵ در تصویر ۵ نیز مربوط به یک مهره شیشه‌ای بیضی شکل ساده است. طرح شماره ۲۶ در تصویر ۵ نیز مربوط به مهره‌های گردنبند، از شیشه سبز روشن و خمیر شیشه است. مهره‌های این مجموعه شامل مهره‌های مدور، استوانه‌ای یا بیضی شکل و معکبی ساده است. طرح شماره ۲۷ در تصویر ۵ نیز مربوط به یک گوی شیشه‌ای به شکل توپ کوچک است که احتمالاً به عنوان زیورآلات استفاده می‌شده است. طرح شماره ۲۸ در تصویر ۵ نیز نیمی از مهره شیشه‌ای مدور ساده به رنگ سبز است که احتمالاً از وسط شکسته و نیمی از آن مفقود شده است. این مهره‌های ساده را احتمالاً به وسیله میله فلزی می‌ساختند. به این روش که ابتدا مقداری مایع مذاب شیشه را که کمی سفت و سخت شده، برمی‌داشتند، سپس میله فلزی را از آن عبور داده و با مالش و غلتاندن روی سطح

صاف لوله‌ای شیشه‌ای درست می‌کردند. بعد آن را در اندازه‌های مختلف و به شکل مدور و یا استوانه‌ای برش می‌زدند و از میله فلزی جدا می‌نمودند.

شبهه این مهره‌های ساده در شکل‌های مختلف مدور، بیضی و یا مکعبی، از محوطه‌های زیادی در دوره اشکانی، مثل: گرمی آذربایجان (کامبخش فرد، ۱۳۷۷: ۸۹)، صالح‌داوود (رهبر، ۱۳۷۸: ۱۳۰)، نوروزمحلّه در گیلان (Egami et al., 1966: Pl. XXIV: 5-6)، آرامگاه جزیره خارک (Stive, 2003: Pl. 49, Figs. 3 & 7) و گارنی ارمنستان (Arakelian et al., 1969: Fig. 153) یافت شده است.

علاوه بر این مهره‌های ساده، تعدادی مهره نیز از کاوش‌های برده‌نشانده به دست آمده که دارای نقوش تراش روی بدنه هستند؛ به عنوان مثال، طرح‌های شماره ۲۹ و ۳۰ در تصویر ۵، شامل دو عدد مهره با نقوش تراشیده لوزی بر روی آن‌ها است. هم‌چنین طرح شماره ۳۱ در تصویر ۵، قسمتی از مهره شیشه‌ای به رنگ سبز روشن با نقوش تراش به شکل لوزی روی بدنه است. طرح شماره ۳۲ در تصویر ۵ نیز مربوط به یک مهره استوانه‌ای شیشه‌ای است که نسبت به سه نمونه قبلی بزرگ‌تر است و با نقوش تراش به شکل لوزی روی بدنه تزئین یافته است. نمونه مشابه این مهره‌ها با تزئین تراش روی بدنه از ارمنستان (Arakelian, et al., 1969: Fig. 153) نیز یافت شده است.

نمونه دیگر مهره‌هایی که از کاوش‌های برده‌نشانده یافت شده است، شامل مهره‌هایی است که دارای تزئین شیاری برجسته خیاری روی بدنه است. این مهره‌های شیشه‌ای به گونه‌ای شبهه به مهره‌های کدوتنبیل نیز می‌باشند؛ به عنوان مثال، طرح‌های شماره ۲۴ و ۲۶ در تصویر ۵، شامل این گونه مهره‌ها است که به روش فشرده در قالب ساخته شده‌اند. نمونه این مهره‌های شیاردار برجسته به شکل کدوتنبیل از حسنی محله دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۹۳؛ شکل ۶۸) و ارمنستان (Arakelian, et al., 1969: Fig. 152) نیز به دست آمده است.

نمونه دیگر مهره‌های یافت شده از برده‌نشانده، شامل مهره‌هایی است که بر روی آن‌ها ترصیع شده است؛ به عنوان مثال، در میان گردنبند طرح شماره ۲۶ در تصویر ۵، یک مهره شیشه‌ای است که نوار سفید رنگ روی بدنه اصلی آن ترصیع شده و با غلتاندن روی سطح صاف در بدنه اصلی فرو رفته است. این نوع روش ساخت زیورآلات را اول بار در لوله‌های شیشه‌ای چغازنبیل می‌توان دید که به روش قالب میله‌ای ساخته شده‌اند. طرح شماره ۳۳ در تصویر ۵ نیز مربوط به قسمتی از مهره از جنس خمیر شیشه به رنگ سفید و سیاه است که از کاوش‌های کاخ سلطنتی برده‌نشانده یافت شده است. احتمالاً این مهره در اصل به رنگ آبی یا لاجوردی بوده که به مرور زمان به سیاه تغییر رنگ داده است. نوارهای سفید نیز به دور بدنه اصلی پیچیده شده و با مالش و غلتاندن بر سطح صاف به بدنه اصلی ترصیع شده است. مشابه این مهره‌ها از صالح‌داوود (رهبر، ۱۳۷۸: ۱۳۱) و دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۷۵؛ شکل ۴۸) نیز به دست آمده است. طرح شماره ۳۴ در تصویر ۵ نیز مربوط به یک مهره مستطیلی شکل شیشه‌ای است که آن نیز از کاوش‌های کاخ سلطنتی برده‌نشانده به دست آمده است. این شیء به روش ترصیع و سپس شانه‌زدن

دارای تزئینات پرمانند موجی و زیگزاگی به رنگ‌های سفید، زرد و سیاه شده است. مشابه این مهره از کاوش‌های پاسارگاد (استروناخ، ۱۳۷۹: ۳۱۲؛ شکل ۳) و گارنی در ارمنستان (Arakelian, et al., 1969: Fig. 153) نیز به دست آمده است.

### ۵- دوک نخ ریسی

دوک‌های نخ‌ریسی، یکی از وسایل ضروری اقوام ایرانی در دوره اشکانی بوده است؛ زیرا از جمله کالاهایی که در زمان اشکانیان به روم صادر می‌شد، پارچه‌های پشمی، گلیم، قالی، قالیچه و پارچه‌های ابریشمی بوده است. پارچه ابریشمی یا از چین می‌آمده و یا ایران وسیله معامله آن با روم بوده است. ماده خام و نخ آن از چین وارد می‌شده و در ایران با نقش‌های ایرانی بافته و سپس به روم صادر می‌شده است. بدون استثنا در تمام گورهای خمره‌ای که زنان در آن مدفون بوده‌اند، دوک پشم‌ریسی (بادریس) به دست آمده است (کامبخش فرد، ۱۳۷۷: ۶۰). معمولاً چرخ دوک‌ها با استفاده از رشته‌های شیشه‌ای افزوده به صورت مخروطی ساخته شده‌اند و البته اغلب ساخت آن‌ها به صورت یک مخروط ناقص، تمام می‌شده است. تا اوایل دوره اشکانی، استفاده از چرخ دوک‌های نخ‌ریسی سفالی، ترجیح داشته است، اما به نظر می‌رسد با شروع دوران مسیحیت، غیر از سفال، استخوان و شیشه نیز برای ساخت چنین اشیایی به کار گرفته شده است (فوکائی، ۱۳۷۱: ۹۴).

از کاوش‌های برده‌نشاندن نیز چند عدد بادریس یا دوک نخ‌ریسی شیشه‌ای به دست آمده است. این اشیاء به شکل مخروطی و یا نیم‌کروی هستند و سوراخی عمودی در مرکز، دارند؛ به عنوان مثال، طرح شماره ۳۵ در تصویر ۵، مربوط به دوک نخ‌ریسی به شکل نیم‌کروی و ساخته شده از شیشه شفاف است. هم‌چنین طرح شماره ۳۶ در تصویر ۵ نیز متعلق به دوک نخ‌ریسی نیم‌کروی ساخته شده از شیشه سبزرنگ است. نمونه مشابه این اشیاء از شوش (جعفری زاده، ۱۳۹۷: ۲۳۴؛ تصویر ۴-۸؛ شکل ۳۳) و دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۸۳، تصویر ۵۵) نیز به دست آمده است.

### ۶- پیکرک و نقوش انسانی

از جمله یافته‌های شیشه‌ای برده‌نشاندن چند عدد سردیس، پیکرک و مهر با نقش انسان است که در نوع خود بی‌نظیرند. یکی از این اشیاء شیشه‌ای (که اکنون زینت‌بخش یکی از ویتترین‌های موزه ملی ایران به شماره ثبتی ۳۵۰۸ است)، مربوط به سردیس پیکرک شیشه‌ای مرد پارتی-الیمایی است (تصویر ۵؛ شکل ۳۷). این شیء که به روش فشرده در قالب ساخته شده به رنگ سبز است و صورت تمام‌رخ مردی را نشان می‌دهد. بر روی پیشانی پیکرک نیم‌تاجی به شکل دانه‌های مروارید در دوردیف موازی دیده می‌شود و سربندی بالای سر و زیر صورت را پوشانده است. احتمالاً چشم‌های این پیکرک ترصیح شده بوده که به مرور زمان مفقود شده است. نمونه مشابه این سردیس‌های شیشه‌ای از امپراتوری روم و نواحی شرقی مدیترانه (Antonaras, 2012: Pl. 283, Fig. 460) نیز کشف شده است.

طرح شماره ۳۸ در تصویر ۵ نیز مربوط به یک آویز شیشه‌ای به شکل پیکرک

کوچک انسان برهنه است که از کاوش‌های کاخ سلطنتی برده‌نشاندۀ یافت‌شده است. دست چپ پیکرک به پهلو چسبیده و دست راست را به نشانه احترام جلوی دهان گرفته و نیم‌تاجی به شکل دانه‌های مروارید بر سر دارد. حلقه کوچکی نیز جهت آویز در پشت پیکرک ایجاد شده است. این آویز شیشه‌ای، در نگاه اول، یادآور آویز شیشه‌ای پیکرکی است که از عقروقوف به تاریخ ۱۴۰۰-۱۲۰۰ پ.م. (Tait, 1995: Fig. 18, 24) به دست آمده است. این یافته‌ها این نکته را تداعی می‌کند که ساخت پیکرک‌های شیشه‌ای به‌عنوان آویز از دیرباز تولید می‌شده و تا دوره اشکانی و بعد از آن نیز ادامه یافته است. مشابه این آویزهای شیشه‌ای به شکل صورتک انسان از دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۸۵؛ تصویر ۵۷) مربوط به قرن ۳-۱ م. و نمونه مشابه آویز شیشه‌ای به شکل پیکرک انسان در موزه بریتانیا (Barag, 1985: Pl. 13, Fig. 114) مربوط به قرن ۲-۱ پ.م. نیز موجود است که احتمالاً از یونان یا روم به دست آمده است.

طرح شماره ۳۹ در تصویر ۵ نیز مربوط به یک مهر شیشه‌ای زرد رنگ است که دارای نقش مرد پارتی به شکل ایستاده است. نقش از روبه‌رو است و مردی را نشان می‌دهد که کلاهی نمادی شکل بر سر دارد و سربندی نیز به دور آن پیچیده شده است. این مهر شیشه‌ای نیز احتمالاً به‌روش فشرده در قالب و سپس حکاکی ساخته شده است. نمونه زیادی از مهرهای شیشه‌ای با نقوشی از انسان، حیوان و گیاهان از آرامگاه شماره ۱ گلالک (رهبر، ۱۳۷۳: ۱۹۶، شکل ۱۲)، دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۸۳؛ تصویر ۵۴) و مناطق رومی به دست آمده است (Barag, 1985: Pl. 18, Figs. 156-165).

## ۷- اشیاء بازی

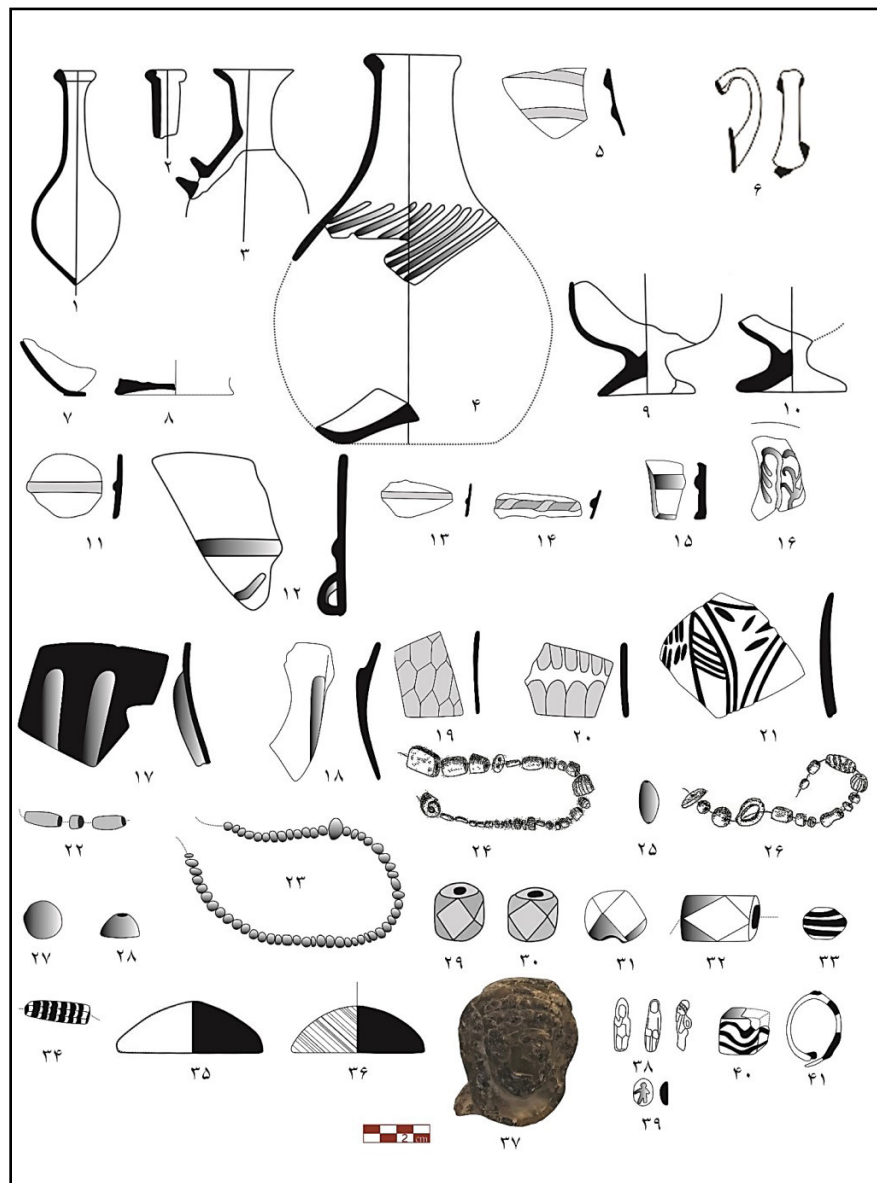
از دوره اشکانی، اشیایی که تصور شده به‌عنوان مهره‌هایی برای نوعی بازی روی تخته به‌کار می‌رفته، پیدا شده‌اند که قدمت آن‌ها بیشتر به قرن اول تا سوم میلادی می‌رسد (فوکائی، ۱۳۷۱: ۹۴). در میان یافته‌های برده‌نشاندۀ نیز یک عدد تاس معکب شکل به‌رنگ سیاه و با تزئین خطوط موجی زرد رنگ از کاوش‌های کاخ سلطنتی به دست آمده است (تصویر ۵: شکل ۴۰). احتمالاً این شیء، به‌رنگ لاجوردی و یا آبی تیره بوده که به مرور زمان به سیاه تغییر رنگ داده است. بعد از آن که تاس مکعبی شکل احتمالاً در قالب ساخته شد، نوارهای زرد رنگ در بدنه اصلی آن ترصیع شده است. مشابه این تاس‌های بازی از محوطه قصیرالقدیم در مصر (Meyer, 1992: Pl. 14, Fig. 367) و نمونه‌ای از مهره‌های بازی نیز از دیلمان گیلان به دست آمده‌اند (فوکائی، ۱۳۷۱: ۱۸۱؛ تصویر ۵۱).

## ۸- حلقه

از کاوش‌های کاخ سلطنتی برده‌نشاندۀ، یک حلقه باز مفرغی (احتمالاً انگشتری یا گوشواره) یافت شده که با استفاده از شیشه قسمت‌هایی از حلقه را تزئین کرده بودند (تصویر ۵: شکل ۴۱). این احتمال نیز وجود دارد که شیشه را به دور تمامی این



حلقه پیچیده بودند که به مرور زمان قسمت‌هایی از آن مفقود شده است. استفاده از انگشتری یا نگین شیشه‌ای روی حلقه فلزی در دوره اشکانی و رومی رواج داشته و در برخی نقاط یافت شده است؛ به عنوان مثال، نمونه‌ای از آن در کاوش‌های کاخ شائور (جعفری زاده، ۱۳۹۷) و دیلمان گیلان (فوکائی، ۱۳۷۱: ۹۳، شکل ۷۰، ۱۸۳، تصویر ۵۳) به دست آمده است. هم‌چنین حلقه‌های انگشتری تابیده و با جای نگین از مناطق شرقی دریای مدیترانه، مثل سوریه و فلسطین، به دست آمده که اکنون در موزه آبگینه نگه‌داری می‌شوند. نمونه‌هایی از گوشواره‌های فلزی مزین به یک مهره مدور از شیشه‌آبی نیز از کاوش‌های دیلمان گیلان (همان: ۱۸۳؛ تصویر ۵۳) به دست آمده است که این فرض را نیز تقویت می‌کند که شیء حلقوی مکشوف از برده‌نشانده شاید گوشواره باشد.



► تصویر ۵. یافته‌های شیشه‌ای اشکانی از محوطه معبد برده‌نشانده (نگارندگان، ۱۳۹۸).

جدول ۲. مشخصات فنی شیشه‌های اشکانی محوطه برده‌نشانده (نگارندگان: ۱۳۹۸).

ردیف	شکل	رنگ	اندازه‌ها به سانتی‌متر	روش ساخت	تزئین	نمونه‌های منتشر شده و قابل مقایسه
۱	بطری روغن‌دان، لبه به بیرون برگشته، گردن عمودی، بدنه تخم‌مرغی، کف ایستایی ندارد	سبز روشن	بلندا: ۷/۵ قطر دهانه: ۱/۲ قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشانده Ghirshman, 1976, Pl. 78, Gmis. 633
۲	بطری روغن‌دان، لبه به بیرون برگشته، گردن کشیده	سبز	بلندا: ۱/۲ قطر دهانه: قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشانده Ibid: Pl, 31, Gmis. 176: b
۳	بطری روغن‌دان، لبه به بیرون برگشته، گردن عمودی، بدنه محدبی	سبز روشن	بلندا: ۶ قطر دهانه: قطر کف:	دمیده آزاد	دو زائده برجسته آشخ مانند روی بدنه	برده‌نشانده Ibid: Pl, 71, Gmis. 389: a
۴	بطری روغن‌دان، لبه به بیرون برگشته، گردن عمودی، بدنه کروی و محدبی	سبز روشن	بلندا: ۱۴ قطر دهانه: قطر کف:	دمیده در قالب	نوارهای برجسته مایل روی بدنه	برده‌نشانده Ibid: Pl, 71, Gmis. 389: b
۵	بطری روغن‌دان، بدنه	سبز تیره	بلندا: قطر دهانه: قطر کف:	دمیده آزاد	نوارهای افزوده افقی روی بدنه	برده‌نشانده Ibid: Pl, 61, Gmis. 558
۶	دسته با مقطع نیم‌دایره‌ای	سبز روشن	بلندا: ۶ قطر دهانه: قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشانده Ibid: Pl, 75, Gmis. 681: c
۷	پیاله، کف تخت، بدنه هلالی و به بیرون آمده	سبز	بلندا: قطر دهانه: قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشانده Ibid: Pl, 26, Gmis. 105: a
۸	پیاله، کف به داخل آمده، بدنه کمی به بیرون آمده	آبی	بلندا: قطر دهانه: ۵/۴ قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشانده Ibid: Pl, 78, Gmis. 591: c
۹	ساغر پایه‌دار، بدنه عمودی	سبز	بلندا: قطر دهانه: ۳ قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشانده Ibid: Pl, 31, Gmis. 176: a
۱۰	ساغر پایه‌دار، بدنه عمودی	سبز	بلندا: قطر دهانه: ۲۰ قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشانده Ibid: Pl, 31, Gmis. 176: a
۱۱	پیاله، بدنه مایل	سبز	بلندا: قطر دهانه: قطر کف:	دمیده آزاد	نوار افزوده افقی روی بدنه	برده‌نشانده Ibid: Pl, 26, Gmis. 105: b
۱۲	پیاله، بدنه مایل	سبز	بلندا: ۶/۲ قطر دهانه: قطر کف:	دمیده آزاد	نوار افزوده افقی روی بدنه	برده‌نشانده Ibid: Pl, 31, Gmis. 206
۱۳	پیاله، بدنه مایل	سفید مات	بلندا: ۱/۳ قطر دهانه: قطر کف:	دمیده آزاد	نوار افزوده افقی روی بدنه	برده‌نشانده Ibid: Pl, 42, Gmis. 109
۱۴	پیاله، بدنه مایل	سفید مات	بلندا: ۱ قطر دهانه: قطر کف:	دمیده آزاد	نوار افزوده طنابی روی بدنه	برده‌نشانده Ibid: Pl, 42, Gmis. 109
۱۵	پیاله، بدنه	آبی	بلندا: ۳ قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	نوار افزوده افقی سفید رنگ روی بدنه	برده‌نشانده Ibid: Pl, 75, Gmis. 681: b

ردیف	شکل	رنگ	اندازه‌ها به سانتی‌متر	روش ساخت	تزیین	نمونه‌های منتشر شده و قابل مقایسه
۱۶	پیاله، بدنه	آبی	بلندا: ۳/۴ قطر: قطر کف:	دمیده در قالب	نوارهای افزوده به شکل گل یا درخت زندگی	برده‌نشاند Ibid: Pl, 78, Gmis. 591: a
۱۷	پیاله، بدنه مایل و کمی محدبی	سبز	بلندا: ۶/۵ قطر دهانه: قطر کف:	دمیده در قالب	نوار برجسته خیاری عمودی روی بدنه	برده‌نشاند Ibid: Pl, 65, Gmis. 372
۱۸	پیاله، بدنه مایل و کمی محدبی	سبز روشن	بلندا: ۵/۷ قطر دهانه: قطر کف:	دمیده در قالب	نوار برجسته خیاری عمودی روی بدنه	برده‌نشاند Ibid: Pl, 78, Gmis. 591: b
۱۹	پیاله، بدنه مایل	سبز	بلندا: ۳/۶ قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	نقوش تراش لانه زنبوری	برده‌نشاند Ibid: Pl, 26, Gmis. 104: b
۲۰	پیاله، بدنه مایل	سبز	بلندا: ۲/۳ قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	نقوش تراش لانه زنبوری	برده‌نشاند Ibid: Pl, 26, Gmis. 104: a
۲۱	پیاله، بدنه مایل و کمی محدبی	سبز	بلندا: ۴/۸ قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	نقوش تراش خطوط موازی و برنجی روی بدنه	برده‌نشاند Ibid: Pl, 26, Gmis. 106
۲۲	مهره‌های گردنبند	سبز روشن	بلندا: قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشاند Ibid: Pl, 56, Gmis. 634: a
۲۴	مهره‌های گردنبند	سبزآبی	بلندا: قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشاند Ibid: Pl, 72, Gmis. 639: b
۲۵	مهره‌های گردنبند	سبز	بلندا: قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشاند Ibid: Pl, 80, Gmis. 375: a
۲۶	مهره‌های گردنبند	سبز روشن	بلندا: قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشاند Ibid: Pl, 75, Gmis. 690
۲۷	مهره	سبز	بلندا: قطر: ۱/۴ قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشاند Ibid: Pl, 79, Gmis. 631: c
۲۸	مهره	سبز	بلندا: قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشاند Ibid: Pl, 80, Gmis. 118: a
۲۹	مهره گردنبند		بلندا: ۲ قطر: ۲ قطر کف:	فشرده در قالب و تراش	تراش لوزی روی بدنه	برده‌نشاند Ibid: Pl, 16, Gmis. 326
۳۰	مهره گردنبند		بلندا: ۲ قطر: ۲ قطر کف:	فشرده در قالب و تراش	تراش لوزی روی بدنه	برده‌نشاند Ibid: Pl, 16, Gmis. 326
۳۱	مهره گردنبند	سبز روشن	بلندا: قطر: قطر کف:	فشرده در قالب و تراش	تراش لوزی روی بدنه	برده‌نشاند Ibid: Pl, 80, Gmis. 118: e
۳۲	مهره گردنبند	سبز روشن	بلندا: قطر: قطر کف:	فشرده در قالب و تراش	تراش لوزی روی بدنه	برده‌نشاند Ibid: Pl, 82, Gmis. 120

ردیف	شکل	رنگ	اندازه‌ها به سانتی‌متر	روش ساخت	تزئین	نمونه‌های منتشر شده و قابل مقایسه
۳۳	مهرة گردنبند	سفید و سیاه	بلندا: قطر: قطر کف:	قالب میله‌ای	ترصیع نوارهای افزوده	برده‌نشاند Ibid: Pl, 80, Gmis. 375: b
۳۴	مهرة گردنبند	سفید، سیاه، زرد	بلندا: قطر: قطر کف:	قالب گلی	تزئین پر مانند روی بدنه	برده‌نشاند Ibid: Pl, 82, Gmis. 582: a
۳۵	دوک نخ‌ریسی مخروطی‌شکل با سوراخی در وسط	سبز	بلندا: قطر: ۶ قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشاند Ibid: Pl, 61, Gmis. 302
۳۶	دوک نخ‌ریسی مخروطی‌شکل با سوراخی در وسط	سبز تیره	بلندا: ۱/۹ قطر: ۵/۷ قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشاند Ibid: Pl, 78, Gmis. 593: b
۳۷	سردیس انسان	سبز	بلندا: ۳/۱ قطر: قطر کف:	فشرده در قالب	نقوش تاج‌مانند روی سر	برده‌نشاند (موزه ایران باستان به شماره ثبتی ۳۵۰۸)
۳۸	اویز پیکرک انسان		بلندا: ۲ قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	سربند دور سر	برده‌نشاند Ghirshman, 1976: Pl, 79, Gmis. 572
۳۹	نگین مهر مدور	زرد	بلندا: قطر: ۱/۱ قطر کف:	دمیده آزاد	نقش انسان به صورت تمام رخ	برده‌نشاند Ibid: Pl, 55, Gmis. 285: a
۴۰	تاس یا مهرة بازی مکعبی‌شکل	سیاه و زرد	بلندا: قطر: قطر کف:	دمیده آزاد	نوارهای موجی روی بدنه	برده‌نشاند Ibid: Pl, 82, Gmis. 604: b
۴۱	حلقه	سبز	بلندا: قطر: ۲/۹ قطر کف:	دمیده آزاد	ساده	برده‌نشاند Ibid: Pl, 79, Gmis. 574

### نتیجه‌گیری

اختراع روش دم در دوره اشکانی را می‌توان انقلابی در شیشه‌گری دانست؛ به طوری که بر میزان تولیدات شیشه‌ای افزوده شد و فرم ظروف شیشه‌ای دچار تغییر و تحول اساسی شد. تولید انبوه ظروف شیشه‌ای با کسب تجربه‌های مفیدتر و زبده‌تر شدن شیشه‌گران و تلاش برای شناسایی روش‌های جدید برای ایجاد تنوع و جذابیت بیشتر همراه شد. حاصل این تلاش رسیدن به انواعی از تزئین بود، که بیشتر از افزودن قطعات شیشه‌ای به بدنه ظرف حاصل می‌شد. تأثیر این تحولات به گونه‌ای است که از قرن نخست میلادی شاهد افزایش کمی و کیفی ظروف شیشه‌ای هستیم. اغلب شیشه‌های ایرانی در این دوره بیشتر به سبک هلنی و رومی ساخته شده‌اند و تأثیر هنر غربی بیش از هنر شرق و بومی است. البته باید در نظر داشت که در محوطه‌هایی نیز تأثیر هنری شرق و اشکانیان را می‌توان دید. با توجه به شباهت این آثار این احتمال وجود دارد که در دوره اشکانی ارتباطات تجاری عمیقی بین نواحی شمال ایران، میان رودان و سوریه و مناطق شرقی مدیترانه وجود داشته است.

به طور کلی این آثار در طیفی از رنگ سبز ساخته شده‌اند، ولی شیشه‌های رنگی دیگری مثل لاجوردی، نباتی، قهوه‌ای سیاه، خاکستری و کرمی نیز وجود داشتند. یافته‌های شیشه‌ای محوطه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهند که فناوری ساخت و تولید اکثر آن‌ها با روش دمیده آزاد بوده است؛ هرچند که از روش‌های دمیده در قالب، فشرده در قالب و قالب گلی نیز بهره برده‌اند که بیشتر برای ساخت زیورآلات بوده است. ظروف شیشه‌ای مورد مطالعه در این پژوهش اغلب مربوط به پیاله‌هاست، ولی ظروف ویژه مواد دارویی و آرایشی و ساغرو جام‌ها نیز جزو یافته‌ها بودند؛ هم‌چنین تعداد زیادی مهره‌های گردنبند و زیورآلات و وسایل بازی نیز در بین آثار مورد مطالعه وجود داشت که نشان از کاربرد وسیع شیشه و هنر شیشه‌گری در دوره اشکانی در این محوطه‌ها دارد.

تزیینات به‌کار رفته بر روی شیشه‌ها نیز جالب توجه است. بیشترین تزیین مربوط به نوارهای افزوده می‌باشد که به صورت افقی، عمودی، موجی و زیگزاگی بر روی ظروف قرار داشتند؛ اما تزییناتی هم‌چون نوارهای برجسته قالبی، تراش‌های لانه‌زنبوری، نقوش پیرمانند و ترصیع نیز از دیگر تزیینات به‌کار رفته بر روی اشیاء شیشه‌ای مورد مطالعه هستند.

بر اساس مطالعات زیست‌بوم‌شناختی و جغرافیای طبیعی، استان خوزستان به طور کلی به دو بخش جغرافیایی تقسیم می‌شود. قسمت‌های شمالی و شرقی آن شامل نواحی کوهستانی و بخش‌های غربی، مرکزی و جنوبی آن شامل دشت‌های مسطح با رودهای پر آب است. بر اساس فعالیت‌های باستان‌شناختی، بیشتر محوطه‌هایی که اشیاء شیشه‌ای از آن‌ها یافت شده، مربوط به دشت‌های مسطح است. این در صورتی است که در مناطق کوهستانی شمالی و شرقی خوزستان، تاکنون فقط از کاش‌های معبد برده‌نشاند و کل‌چندار ایزده آثار شیشه‌ای یافت شده است. به نظر نگارندگان این اشیاء نیز به احتمال زیاد وارداتی بوده و نمی‌توانند در خود محل تولید شده باشند. به احتمال زیاد این دست ساخته‌های شیشه‌ای از محوطه‌های هم‌جوار در خوزستان و یا از میان رودان آورده شده‌اند؛ زیرا که تاکنون کاوشگران نه نشانه‌هایی از وجود کارگاه شیشه‌گری اشکانی در مناطق کوهستانی خوزستان یافته‌اند و نه در سایر محوطه‌های این نواحی آثار شیشه‌ای تاکنون گزارش شده است. در حالی که طبق پژوهش‌های انجام‌گرفته، کارگاه شیشه‌گری در شوش وجود داشته که جزو نواحی دشت است. این استدلال بر این اساس است که ساخت ظروف شیشه‌ای و کارگاه‌های شیشه‌گری نیازمند فنون و روش‌های خاص صنعتی است که تاکنون هیچ نمونه از چنین کارگاه‌های تولیدی در مناطق کوهستانی خوزستان گزارش نشده است؛ هم‌چنین با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه مورد مطالعه، تولید و استفاده از ظروف شیشه‌ای که بسیار شکننده و پرهزینه بوده، به اصطلاح توجیه اقتصادی نیز نداشته است. نمونه‌های یافت‌شده نیز بیشتر به‌عنوان ظروف تزیینی و تجملاتی کاربرد داشته‌اند.

برخی اشیاء و زیورآلات مثل مهره‌ها، شبیه نمونه‌های یافت‌شده در سایر محوطه‌های دشت خوزستان هستند. هم‌چنین نمونه‌های مشابه اشیاء مورد مطالعه در سایر محوطه‌های فلات ایران مثل: نهاوند، خارک، دیلمان گیلان و آذربایجان

نیز یافت شده‌اند. ناگفته نماند که مشابه نمونه‌های شیشه‌ای محوطه‌های مورد مطالعه در محوطه‌های میان‌رودان، ارمنستان، نواحی شرقی مدیترانه مثل سوریه و فلسطین، مصر و گاهی روم نیز یافت شده‌اند؛ هرچند که اشکانیان نیز قادر به تولید اشیاء و ظروف شیشه‌ای بوده‌اند، اما رومیان و نواحی شرقی مدیترانه از رشد والایی در تکنولوژی ساخت شیشه برخوردار بودند. کارگاه‌های تولیدی آن‌ها هم نیروی کار زیادی در اختیار داشتند تا جایی که گاهی نظامیان نیز به کار تولید شیشه مشغول بودند. شیشه‌های تولید شده نیز به مناطق مختلف صادر می‌شد، چون ارزش تجاری بالایی داشتند و از نظر اقتصادی بسیار با اهمیت بودند؛ تاجایی که نمونه‌های زیادی از شیشه‌های قرن ۱-۲ م. در بگرام افغانستان و حتی نواحی شرقی آسیا نیز یافت شده است. یافته‌های شیشه‌ای محوطه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که تجارت این کالا و روابط صلح‌آمیز فرهنگی در کنار کشمکش‌های نظامی ایران و روم برقرار بوده است.

### سپاسگزاری

نگارندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند از جناب آقای جعفر مهرکیان بابت در اختیار قرار دادن اطلاعات یافته‌های شیشه‌ای محوطه کل چندار و هم‌چنین از سرکار خانم دکتر آرمان شیشه‌گر و جناب آقای میثم حسین‌زاده جهت ارائه نظرات و پیشنهادهای ارزشمندشان تشکر نمایند.

### پی‌نوشت

۱. تصویر ۵، طرح شماره ۶: شکل ۱، تنها ظرف سالمی که از این محوطه برده‌نشاندۀ یافت شده مربوط به عطردان کوچکی است که اکنون در موزه ملی با شماره ثبتی ۱۰۵۲ نگه‌داری می‌شود. این شیء که در موزه جزو آثار یافت شده از شوش، طبقه‌بندی شده، احتمالاً از معبد برده‌نشاندۀ یافت شده و به اشتباه به شوش نسبت داده شده است. این ظرف دارای گردن کشیده و بلند است که لبه آن نیز به بیرون برگشته است. بدنه آن تخم‌مرغی و کف آن نوک‌تیز است و حالت ایستایی ندارد. به‌طور کلی این ظرف بسیار شبیه به ظروف قالب گلی اولیه مثل اور و آمفوراها یونانی و رومی، ولی به‌روش دمیده آزاد ساخته شده است.

۲. تصویر ۵: شکل ۳۷، از جمله یافته‌های شیشه‌ای برده‌نشاندۀ چند عدد سردیس، پیکرک و مهر با نقش انسان است که در نوع خود بی‌نظیرند. یکی از این اشیاء شیشه‌ای (که اکنون زینت‌بخش یکی از ویترین‌های موزه ایران باستان است و با شماره ثبتی ۳۵۰۸ در این موزه نگه‌داری می‌شود. مربوط به سردیس پیکرک شیشه‌ای مرد پارتی-الیمایی است. این شیء که به روش فشرده در قالب ساخته شده به‌رنگ سبز است و صورت تمام‌رخ مردی را نشان می‌دهد. بر روی پیشانی پیکرک نیم‌تاجی به شکل دانه‌های مروارید در دو ردیف موازی دیده می‌شود و سربندی بالای سر و زیر صورت را پوشانده است.

### کتابنامه

- استرابو، ۱۳۸۲، جغرافیای استرابو سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان. ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: موقوفات افشار.
- استروناخ، دیوید، ۱۳۷۹، پاسارگاد، گزارشی از کاوش‌های انجام شده توسط مؤسسه مطالعات ایرانی بریتانیا، از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳. ترجمه حمید خطیب شهیدی، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- آقاعلی‌گل، داود؛ جعفری‌زاده، مسلم؛ رهبر، مهدی، و مرادی، محمود، ۱۳۹۸، «کاربرد روش میکروپیکسی جهت آنالیز عنصری مهره‌های شیشه‌ای مکشوف از

- آرامگاه‌های صالح داود خوزستان: شواهدی از تجارت مصنوعات شیشه‌ای در دوره‌ی اشکانی». پژوهش باستان‌سنجی، شماره ۵ (۱)، صص: ۱۴۳-۱۶۶.
- امستد، ات، ۱۳۷۲، تاریخ شاهنشاهی هخامنشیان. ترجمه محمد مقدم، تهران، نشر امیرکبیر.
- جعفری زاده، مسلم، ۱۳۹۷، «مطالعه و تحلیل هنر و صنعت شیشه‌گری دوره‌ی اشکانی، مطالعه موردی: داده‌های باستان‌شناختی محوطه‌های باستانی دشت خوزستان». رساله دکتری باستان‌شناسی، استاد راهنما: دکتر آرمان شیشه‌گر، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- جعفری زاده، مسلم، ۱۳۹۸، «بررسی آثار شیشه‌ای اشکانی کاخ شاتور». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۱، دانشگاه تهران، صص: ۳۵-۵۴.
- رهبر، مهدی، ۱۳۷۳، «آرامگاه ایلامی گل‌لک شوشتر». میراث فرهنگی، ویژه‌نامه نخستین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۲، صص: ۲۲۶-۲۶۸.
- رهبر، مهدی، ۱۳۷۶، «کاوش آرامگاه‌های ایلامی گل‌لک شوشتر». یادنامه اولین همایش باستان‌شناسی، شوش، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، صص: ۱۷۵-۲۰۸.
- رهبر، مهدی، ۱۳۷۷، «گزارش حفاری گل‌لک شوشتر». بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، ۱۳۷۸، «فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی صالح داوود». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان، (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، ۱۳۸۲، «فصل دوم کاوش‌های باستان‌شناسی صالح داوود». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان، (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، ۱۳۸۳، «گزارش کاوش آموزشی دانشجویان دانشگاه آزاد شوشتر در دستوا». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان، (منتشر نشده).
- سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۴۸، «شهر تاریخی دستوا در شوشتر». باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۴، تهران، صص: ۷۲-۷۹.
- سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۵۷، «آیا مسجد سلیمان یک محرابه مهری است». بناهای تاریخی ایران، شماره ۱، تهران، صص: ۴۱-۴۷.
- سیمپسون، سنت جان، ۱۳۹۴، بررسی کلی شیشه ساسانی. ترجمه پارسا قاسمی، تهران: انتشارات سیوند.
- شریفی، فرشته، ۱۳۹۲: «گاهنگاری و طبقه‌بندی ظروف شیشه‌ای موزه‌های هگمتانه و آرامگاه بوعلی سینا همدان». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما: محمد ابراهیم زارعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، دانشکده هنر و معماری (منتشر نشده).
- شیشه‌گر، آرمان، ۱۳۹۴، «گزارش کاوش فصل دوم در گورستان اشکانی جوبجی - ده‌یور (زمستان ۱۳۹۳)». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان، (منتشر نشده).

- صالح‌وند، نوید، ۱۳۹۴، تاریخچه شیشه و شیشه‌گری (ظروف شیشه‌ای دوره اشکانی مجموعه‌های موزه ملی ایران و موزه رضا عباسی)، تهران: نشر سمیرا.
- علی‌اکبرزاده‌کردمehینی، هلن، ۱۳۷۳، شیشه مجموعه مرز بازرگان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فرای، ریچارد، ۱۳۸۲، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان. ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- فوکائی، شینجی، ۱۳۷۱، شیشه ایرانی. ترجمه آرمان شیشه‌گر، تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.
- کالج، مالکوم، ۱۳۸۵، پارتیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سحر.
- کامبخش فرد، سیف‌اله، ۱۳۷۷، «گور خمره‌های اشکانی». مجله باستان‌شناسی و تاریخ، پیوست شماره ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مارکورات، یوزف، ۱۳۸۳، ایران شهر در جغرافیای بطلمیوس. ترجمه مریم میراحمدی، تهران: طهوری.
- محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۷، باستان‌شناسی و هنر اشکانی. تهران: سمت.
- مهرکیان، جعفر، ۱۳۷۵، «نگارکند نویافته الیمایی شیرینو». میراث فرهنگی، شماره ۱۵، صص: ۵۶-۵۹.
- مهرکیان، جعفر، ۱۳۹۵، «کل‌چندار دره شمی، گزارش ادامه فصل سوم کاوش‌های باستان‌شناسی». پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، (منتشر نشده).
- واندنبرگ، لویی؛ و شیپمن، کلاوس، ۱۳۸۶، نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوره اشکانی، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، تهران: سمت.
- یارشاطر، احسان، ۱۳۸۱، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، جلد ۳، قسمت ۲، تهران: امیرکبیر.

- Agha-Aligol, D.; Jafarzadeh, M. & Moradi, M., 2018, "Micro-PIXE: A Powerful Technique in Measurement and Determination of Raw Materials of Glass Artifacts of Parthian Period From Shaur(Susa)". *J Res Archaeom*, No. 4, Pp: 47– 65 (in Persian).

- Ali Akbarzadeh Kord-e Moheini, H, 1994, *Collection Glass of Marze Bazargan*. ICHO Publisher, Tehran (in Persian).

- Antonaras, A., 2012, *Fire and Sand*. Ancient Glass in the Princeton University art Museum, New Haven and London.

- Arakelian, B. N.; Tiratzian, G. A. & Khachatryan, G. D., 1969, *The Glass of Ancient Armenia*. The archaeological monuments and specimens of Armenia 3, Yerevan.

- Barag, D. P., 1985, *Catalogue of Western Asiatic Glass in the British Museum*, vol: I.



- Buocharlat, R., & Haierinck, E., 2011, *Tombes Depoque Parthe (Chantiers De La Ville Des Artisans)*. Memoires De La Delegation Archeologique En Iran, Tome XXXV.
- Carter, E. & Stolper, M. W., 1984, *Elam: Survey of Political History and Archaeology*. Berkeley, Los Angeles, London, University of California Publications, Near Eastern Studies.
- Collage, M., 2006, *Parthian*. Translated by Massood rajabnia, Sahar Publisher, Tehran (in Persian).
- Egami, N.; Fukai, S. & Masuda, S., 1966, *Dailaman II, The Excavation at Noruzmahale and Khiramrud, 1960*. Tokyo: The institute of oriental culture, the University of Tokyo.
- Fokai, Sh., 1992, *Iranian Glass*. Translated by: Arman Shishegar, Miras Farhangi, Tehran (in Persian).
- Freestone, I. C., 2006, "Glass production in late antiquity and the early Islamic period: a geochemical perspective". in: Maggetti, Marino and Messiga, Bruno (eds.), *Geomaterials in Cultural Heritage (Geological Society of London Special Publication 257)*, London: Geological Society of London, Pp: 201–216.
- Freestone, I. C., 2008, "Partho-Sasanian Glass and Glazes". in: Priestman, S. & Simpson, St J. (eds.), *Parthian, Sasanian and Early Islamic Pottery: dating, definition and distribution (A specialist workshop at The British Museum)*, London: British Museum: 3–5.
- Frye, R., 2003, *History of Iran from the Seleucids to the collapse of the Sassanids*. Translated by: Hasan Anoosheh, Amir kabir Publisher, Tehran (in Persian).
- Ghirshman, R., 1952, "Cinq Campagnes De Fouilles a Suse (1946 – 1951)". *Revue d'Assyriologie et d'archéologie orientale*, No. 46 (1), Pp: 1-18.
- Ghirshman, R., 1976, "Terrasses sacrees de bard-e Nechandeh et Masjid-I Solaiman". *Memoires de le delegation archeologique en Iran*, vol. XLV, Vol. 1 texte, Paris.
- Hansman, J., 1998, "Elymais". *IRANICA*, Vol VIII, Mazda publish.
- Harden, D. B., 1934, "The Glass of the Greeks and Romans". *Greece & Rome*, Cambridge University Press, No. 3 (9), Pp: 140-149,.
- Henning, W. B., 1952, *The Monuments and Inscriptions of Tang-I Sarvak*. Asia.
- Hill, D., 2008, "Scientific analyses of ceramics from the Deh Luran plain, south-west Iran". in: Priestman, S. & Simpson, St J. (eds.), *Parthian, Sasanian and Early Islamic Pottery: dating, definition and distribution (A*

*specialist workshop at The British Museum*), London: British Museum: 9-11.

- Jafarizadeh M., 2019, "Investigating Parthian Glassworks from the Shaur Palace". *Journal of archaeological studies*, No. 11(1), Pp: 35-54 (in Persian).

- Jafarizadeh M., 2018, *Study and Interpretation of Parthian Art and Glass Industry (Case Study: Archaeological Data of Khuzestan Plain)*. Tarbiat Modares University (in Persian).

- Kambakhshfard, S., 1998, *Parthian jar grave*, *Journal of Archaeology and history*. University Publication Center, Tehran (in Persian).

- Markwart, Y., 2004, *Eranasahr nach der Geographie desps. Moses xorenaci*, Translated by: Maryam Mir Ahmadi, Tahori Publisher, Tehran (in Persian).

- Mehr Kian J., 2016, *Kal Chandar of Shami, Report of their season of Archaeological excavations*. ICHO Archive (in Persian).

- Mehr Kian, J., 1997, "Newfound Elymaean Relief of Shirino". *Journal of Cultural Heritage*, No. 15, Pp: 56-59 (in Persian).

- Meyer, C., 1992, *Glass from Quseir Al-Qadim and the Indian Ocean Trade*. the oriental institute of the university of Chicago, No. 53.

- Mohamadifar, Y., 2008, *Archaeology and Art of Parthian Period*. Samt Publisher, Tehran.

- Negro Ponzi, N. M., 1968-69, "Sasanian Glassware from Tell Mahuz (North Mesopotamia)". *Mesopotamia*, No. III-IV, Pp: 293-385.

- Negro Ponzi, N. M., 1972, "Glassware from Abu Skhair". *Mesopotamia*, Pp: 215-240.

- Newby, M., 1995, *The Beauty of Ancient Glass*. Hadji Baba Ancient Art, London.

- Olmstead, A., 1993, *The history of the Persian empire: Achaemenid period*. Translated by: Mohamad Moghadam, Amie Kabir Publisher, Tehran (in Persian).

- Pliny, natural history, Vol. 7. Harvard University Press.

- Rahbar, M., 1994, "Elymaean tombs of Gelalak-e Shoshtar". *Cultural Heritage 12*, Special Issue of first symposium of Iranian Archeology, 226-268 (in Persian).

- Rahbar, M., 1997, *Excavation of Elymaean tombs of Gelalak-e Shoshtar, Memorial of first symposium of Susa*. Publisher of ICHO (in Persian).

- Rahbar, M., 1998, "Excavation report of Gelalak-e Shoshtar". ICHO Archive (in Persian).

- Rahbar, M., 2000, “Report of first season Archaeological Excavation in Saleh Davoud(Khuzistan)”. Tehran (in Persian).
- Rahbar, M., 2004, 2005, “Report of educational excavation of Shushtar Azad University students in Dastva”. The archive of Khozestan Administration of Cultural Heritage (in Persian).
- Rahbar, M. 2004, “Report of second season Archaeological Excavation in Saleh Davoud (Khuzistan)”. The archive of Khozestan Administration of Cultural Heritage (in Persian).
- Rahbar, M., 1997, “Tombeaux Elyme ens de Gelalak, pre s de Shushtar (Khuzestan)”. *Archeologia*, No. 339, Pp: 42 – 43 .
- Rahbar, M., 1999, “Shushtar Les Tombiaux de poque Parte de Gelalak”. *Dossiers d Archeologie*, Empires Perses, No. 243, Pp: 90-93.
- Rahbar, M., 2006, “Historical Iranian and Greek Relations in Retrospect”. in: *Ancient Greece and Ancient Iran Cross Cultural Encounters*. Mohammad Reza Darbandi and Antigoini Zournatzi (ed.) International Conference, Athens, Pp: 367 – 372 .
- Rehren, Th., Connolly, P.; Schibille, N. & Schwarzer, H., 2015, “Changes in glass consumption in Pergamon (Turkey) from Hellenistic to late Byzantine and Islamic times”. *Journal of Archaeological Science*, No. 55, Pp: 266–79.
- Salehvand, N., 2016, *History of glass and glassmaking (Parthian glassware from the collections of the National Museum of Iran and the Reza Abbasi Museum)*. Samira Publisher, Tehran (in Persian).
- Sarfaraz, A., 1969, “The historical city of Dastva in Shushtar”. *Journal of Archaeology and art of Iran*, No. (4), Pp: 72-79 (in Persian).
- Sarfaraz, A., 1978, “Is Masjed Solyman a temple of Mitra”. *Historical monuments of Iran*, No. 1, Pp: 41-47 (in Persian).
- Sharifi, F., 2013, *Chronology and Classification of glassware of Museums of Hegamataneh and Bu Ali Sina Tomb of Hamadan*. Bu-Ali Sina University (in Persian).
- Shishegar, A., 2016, “Excavation report of Parthian cemetery of Jubaji, The archive of Khozestan Administration of Cultural Heritage”. (Unpublished report) (in Persian).
- Simpsons, J., 2016, *Sasanian glass: an overview*. Translated by: Parsa Ghasemi, Sivand Publisher (in Persian).
- Stein, S. A., 1940, *Old Routes of Western iran*. London, Macmillan.
- Stive, M. J., 2003, *L'Île De Kark, Une Page De L' Histoire Du Golfe Persique Et Du Monacisme Oriental*. Paris.

- Strabo, 2003, *Geography of Strabo Lands under the rule of the Achaemenids*. Translated by: Homayoon Sanatizadeh, Endowments of Afshar, Tehran (in Persian).
- Stronach, D., 2000, *Pasargadae: A report on the excavations conducted by the British Institute of Persian Studies from 1961 to 1963*. Translated by: Hamid Khatib Shahidi, ICHO (in Persian).
- Tait, H., 1995, *Five Thousand Years of Glass*. British Museum.
- Vanden Berghe L. K. & Schippmann K, 2007, *Les Reliefs Rupestres d'Elymaide (Iran) de l'epoque Parthe*. Translated by: Yaghoub Moahamdaifar and Azadeh Mohabatkho, Samt Publisher, Tehran (in Persian).
- Whitehouse, D., 2001, "The Glass, Annee", *Begram*, No.11 (1), Pp: 437-499.
- Whitehouse, D., 2012, "The Glass from Begram", *Afghanistan: Forging Civilizations along the Silk Road*, Pp: 54-63.
- Yarshater, E, 2003, *History of Iran from the Seleucids to the collapse of the Sassanids*. Translated by: Hasan Anoosheh, Amir kabir Publisher, Tehran (in Persian).